



۰۱ جولای، ۲۰۲۵

احمد فواد ارسلا

از ہم پاشیدن تخیل قدرت: نگاہی انتقادی به شکست جمهوری اسلامی



پس از جنگ اخیر با اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است تا چهره ای از قدرت و ایستادگی به نمایش بگذارد. بیانیه های رسمی و مطبوعات هم‌نوا با نظام ایران از پایداری، مقاومت و صبر استراتژیک سخن می گویند. اما در بطن این پیغام حساب شده، واقعیتی تلخ تر نهفته است؛ واقعیتی از شکست نظامی، تکنالوژی که تمثیل بزرگی است از شکست.

جنگ نظامی به رهبری اسرائیل با عنوان «عملیات شیر برآمده» با هدف اعلام شده ای خنثی سازی تهدید اتمی ایران و محدود کردن توانایی این کشور در اقدامات تلافی جویانه آغاز شد. آنچه در عمل رخ داد، عملیات نظامی بسیار هماهنگی بود که نه تنها زیربنای اتمی ایران را نابود کرد، بلکه قسمت بزرگی از رهبری نظامی آن را نیز از میان برداشت.

در میان کشته شدگان، اسامی بلند پایه ای چون جنرال محمد باقری، لوی درستیز قوای مسلح؛ جنرال حسین سلامی قومندانان عمومی سپاه پاسداران؛ و جنرال امیرعلی حاجی زاده، قومندان پروگرام قوای راکت و طیارات بی پیلوت ایران به چشم می خورد. این ها صاحب منصبان میان رتبه نبودند؛ بلکه هسته اصلی قومندانی پلانگذاری استراتژیک عسکری ایران را تشکیل می دادند. در روزهای بعد، قومندانان دیگر استخبارات و و قوای هوایی نیز کشته شدند. این قطع

سر رهبری ارشد، به راحتی قابل جبران نیست و احتمالاً تأثیرات بلندمدتی بر توانایی نظام ایران برای ایفای نقش به عنوان یک تشکیلات امنیتی منسجم خواهد داشت.

در عین زمان، اسرائیل حملات وسیعی به تأسیسات کلیدی اتمی و راکتی در سراسر ایران انجام داد. اهداف تأییدشده شامل موارد زیر بودند:

- **تأسیسات غنی سازی سوخت اتمی نطنز** - قلب پروگرام غنی سازی یورانیوم ایران، که سالن های آبشاری و مجموعه های سنتریفیوژ آن نابود یا از کار افتاده اعلام شدند.
- **تأسیسات اتمی فردو** - قرارگاه زیرزمینی مستحکم در نزدیکی قم که آسیب سنگینی دید و عملیات پیشرفته سنتریفیوژها مختل شد.
- **مرکز تکنالوژی اتمی اصفهان** - محل استقرار زیربناهای تبدیل یورانیوم و تولید سنتریفیوژ.
- **تأسیسات پارچین** - که مدت ها مظنون به انجام آزمایش های مربوط به سلاح اتمی بود، نیز هدف قرار گرفت.
- **تأسیسات تحقیقاتی راکت خجیر** - یک مرکز عمده توسعه راکت های که هدف حملات دقیق قرار گرفت.
- **تأسیسات راکت مدرس و امام علی** - محل ذخیره و پرتاب راکت برد متوسط که مورد حمله و بی اثر قرار گرفتند.

بر اساس راپورهای متخصصین مستقل اتمی و موسسات بین المللی ناظر، این حملات توانایی فعال ایران در غنی سازی یورانیوم را عملاً از بین برده است. هرچند ایران هنوز ذخایری از یورانیوم غنی شده دارد، اما زیربنا ها و نیروی انسانی لازم برای پیشبرد پروگرام تسلیحاتی به شدت آسیب دیده اند. با از دست رفتن دانشمندان کلیدی و تخریب سایت های حساس، برنامه اتمی، که زمانی ستون اصلی اهرم جیوپولیتیکی ایران بود - سال ها به عقب رانده شده است. در زمینه عملیات تلافی جویانه، عملیات ایران شکست ستراتیژیک آن را بیشتر نمایان کرد. تهران حدود ۳۷۰ راکت بالستیک، کروز و طیارات بی پیلوت پرتاب کرد، اما تشکیلات دفاع هوایی اسرائیل - شامل پیکان، فلاخن داوود، و گنبد آهنین - بیش از ۹۰ درصد تهدیدات ورودی را جلوگیری کرد. بسیاری از راکت های باقی مانده یا دچار نقص فنی شدند یا در مناطق غیرمسکونی فرود آمدند و خسارت اندکی بر جا گذاشتند. تنها تعداد کمی به اهداف حساس اصابت کردند، که هیچ کدام موجب اختلال ستراتیژیک نشدند.

نکته مهم تر اینکه راکت های ایرانی نتوانستند به طور مداوم اهداف عسکری یا زیربنائی حساس را هدف قرار دهند و اغلب در مناطق ملکی یا میدان های خالی فرود آمدند. این امر نه تنها نشانگر محدودیت دقت راکت های ایران بود، بلکه نقص و ناتوانی کلی موقعیت بازدارندگی آن

را نیز به نمایش گذاشت. سیستم دفاع هوایی چندلایه اسرائیل نه تنها مؤثر بلکه تعیین کننده ظاهر شد.

با اینکه رهبران تهران بر پایداری تأکید داشتند، اما رفتار آن‌ها داستانی متفاوت روایت می‌کند. اظهارات عمومی رئیس جمهور مسعود پزشکیان مبنی بر آمادگی برای مذاکره، تنها چند روز پس از آن بیان شد که ایران گفته بود هرگز به میز مذاکره باز نمی‌گردد. این تغییر موضع – هرچند جزئی – نشانگر آگاهی درونی از آسیب پذیری های افشاشده رژیم است. راپور ها نشان میدهد که اسرائیل تکتیک های روانی به کار برده، از جمله ارتباط مستقیم با قومندانان عسکری ایران و اخطار درباره حملات قریب‌الوقوع. این اقدامات نه تنها ایجاد وحشت کرد، بلکه نشان دهنده میزان نفوذ استخباراتی اسرائیل در تشکیلات عسکری و امنیتی ایران بود.

توانایی جمهوری اسلامی در حفظ ثبات داخلی، مدت‌ها به تشکیلاتی چون بسیج و سپاه پاسداران متکی بوده است. این قوت ها که مأمور سرکوب اعتراضات و تحکیم انطباق ایدئولوژیک‌اند، در این جنگ نیز هدف قرار گرفتند. با کشته شدن قومندانان کلیدی و وخامت اوضاع اقتصادی ناشی از حملات به تاسیسات تصفیه تیل، پاپیلین ها، و مواد آماده صادرات انرژی، امکان دارد که کنترل رژیم بر جامعه سست شود. خاطره اعتراضات وسیع سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۴۰۱ همچنان تازه است و شرایطی که آن آتش ها را افروخت، نه تنها بهبود نیافته، بلکه وخیم تر شده است. با وجود این تحولات، تهران همچنان در تلاش برای نشان دادن چهره‌ای از کنترل است. اما این نمایش روزبه روز کمتر باورپذیر می‌شود. این جنگ نه تنها محدودیت‌های توانایی عسکری و امنیتی ایران را آشکار کرد، بلکه قصه تخیلی شکست ناپذیری ای را که رژیم سال‌ها پرورده بود، فرو ریخت.

این لحظه تنها یک شکست تکتیکی یا عملیاتی نیست، بلکه نقطه عطفی ستراتیژیک است. جمهوری اسلامی اکنون با چلنج بازسازی تشکیلات امنیتی آسیب دیده، احیای زیربنای اتمی و مهار ملتی روبه روست که بارها ظرفیت مقاومت را نشان داده است. مهم تر از همه، باید این‌ها را بدون بسیاری از قومندانان، دانشمندان، و تمثال های انجام دهد که روزگاری پشتوانه قدرت عسکری و امنیتی و ایدئولوژیک آن بودند.

در نهایت، رهبران ایران می‌توانند همچنان از پیروزی اخلاقی سخن بگویند و به زبان شهادت متوسل شوند. اما ناظران منطقه، و بیش از همه، مردم خود ایران، به روشنی می‌بینند که این جنگ جمهوری اسلامی را به جایگاهی ضعیف تر و قدرتی تضعیف شده رسانده است. آنچه در پیش است شاید از هم پاشیدن آنی نباشد، اما خیال قدرت به شکلی قاطع شکسته شده است.